



درباره کتاب عصیان

آندریاس، سرباز اتریشی از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد او یک پایش را از دست داده اما قهرمان جنگ است. او رنج دیده اما بسیار به خدا و دولت و کشورش ایمان دارد. او به حکومت خوشبین است و آن را پشتوانه خود می‌داند تا این‌که پس از سپری کردن زمانی در آسایشگاه خبر می‌رسد که فقط موجی‌ها می‌توانند بمانند و باقی باید مرخص شوند. حالا آندریاس فکر می‌کند باید شغلی مناسب داشته باشد اما از آن موقعیت‌های شغلی خبری نیست. او مورد لطف پزشکان قرار می‌گیرد و مجوزی برای پخش موسیقی در خیابان‌ها به او می‌دهند؛ شغل او حالا چرخیدن در خیابان‌ها و به صدا در آوردن پای چوبی مصنوعی‌اش و چرخاندن دسته‌ی جعبه موسیقی است.

عصیان تصویری از جامعه پس از جنگ در اروپا است. در این داستان روت از عدالت و جامعه صحبت می‌کند.

مجله گاردین درباره این داستان نوشته است: «داستان روت دارای همان منطق بسیار اروپایی و سراسر قصه‌های پریان است که در عین حال که همه چیز را اجتناب ناپذیر می‌سازد، به کابوسی نیز مبدل می‌کند. اگر روت را به عنوان رأس چهارم مربعی که رأس‌های دیگرش کافکا، موزیل و تسواپگ هستند در نظر بگیرید، اشتباه نکرده‌اید.»

مجله نیویورک تایمز هم در مورد رمان عصیان نوشته است:

«رمانی از یوزف روت یک رمان نویس تمثیلی اما در عین حال به صورت قاطعانه ای مدرن، داستان سرخوردگی پس از جنگ، حدود ایمان و سرنوشت شخصی که توسط کارهای کورکورانه و گاه و بیگاه یک ماشین کنترل می‌شود. ماشینی که توسط هیچ کس هدایت نمی‌شود و هیچ کس مسئول آن نیست.»

کتاب عصیان !

نویسنده: یوزف روت <

مترجم: سينا درویش‌عمران < کیوان غفاری <

انتشارات: نشر بیدگل <

دسته‌بندی: رمان < داستان خارجی <

برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص کتاب عصیان [اینجا](#) کلیک کنید.